فهرست

[مقدمه 2](#_Toc68428644)

[ادامه فرع چهار: نظر با قصد کامل ازدواج 2](#_Toc68428645)

[احتمالات: 2](#_Toc68428646)

[نظر استاد: 3](#_Toc68428647)

[بحثی در مورد حکمت و علت 3](#_Toc68428648)

[فرع پنجم: مسبوق به حال مرأه بودن 4](#_Toc68428649)

[احتمالات: 4](#_Toc68428650)

[نظر استاد: 5](#_Toc68428651)

[فرع ششم: وجود راه های دیگری برای نظر 6](#_Toc68428652)

[احتمالات: 6](#_Toc68428653)

[نظر استاد: 7](#_Toc68428654)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

در ذیل بحث جواز نظر به اجنبیه ای که قصد ازدواج با او را دارد فروعی بود که عمدتاً تابه‌حال آن شرایط این حکم بود. چهار فرع به‌عنوان شروط تا اینجا ذکر شد. فرع چهارم که شرط چهارم بود بحث اراده تزویج بود که به چه معنا اراده تزویج را باید حمل کرد که بحث کردیم.

# ادامه فرع چهار: نظر با قصد کامل ازدواج

قبل از آنکه به بحث پنجم و ادامه مباحث و شرایط بپردازیم در ذیل همان فرع چهارم نکته را بیفزاییم و تکمیل کنیم و آن اینکه ممکن است این‌طور سؤال شود که اگر کسی قصد ازدواج با مرأه معینه ای دارد و این قصد منجز تام و تمام است. درهرصورت بناست ازدواج کند. این نگاه ازلحاظ تأثیر در ازدواج نقشی ندارد. چه نگاه کند چه نه قرار است ازدواج کند. گرچه اطلاعات او را افزایش می‌دهد و احیاناً دل او را قرص‌تر می‌کند و یا حتی ممکن است در ذهن او شبهه و خللی وارد شود اما مطمئن است در اصل قصد ازدواج تأثیری نخواهد گذاشت. اینجا را هم در برمی‌گیرد یا نه؟ در مباحث قبلی این بود که آنجایی که قصد ازدواج کلی دارد و مردد بین چند نفر است و نگاه هم تأثیر کامل دارد در حدی که بین چند نفر می‌خواهد انتخاب کند. از آن‌طرف می‌خواستیم ببینیم می‌گیرد یا نه که بحث شد و اختلاف بود و ما هم ترجیح شمول دادیم همان‌طور که در کلام سید بود برخلاف جمعی که نمی‌پذیرفتند. اما در این فرع نقطه مقابلش است. یعنی مرأه معینه است قصد ازدواج هم منجز به تمام معناست. به‌گونه‌ای که این نگاه در اصل قصد ازدواج تأثیری ندارد ولو اینکه تأثیرهای حاشیه‌ای و جانبی به‌جا می‌گذارد. همان‌طور که در مباحث قبلی ملاحظه کردید آنچه قدر متیقن از فتاوی و ظهور ادله بود آن صورت میانه است. یعنی آنجا که قصد ازدواج علی‌الاصول با مرأه ای دارد و برای اینکه اطمینانی پیدا کند نگاه می‌کند اما غیر این صورت که تقریباً قدر متیقن بود بحثی در آنجا بود که مرأه معینه نیست و بحث دیگر اینکه معینه است با قصد تام و این دخالتی ندارد. این فرع هم قابل‌توجه است و دو احتمال شبیه بحث‌های قبیل در اینجا قابل‌طرح است.

## احتمالات:

1. کسی بگوید اطلاقات این را می‌گیرد. المراه یرید ان یتزوجها ینظر الیها؟ حضرت فرمودند نعم. المراه یرید ان یتزوجها اینجا صادق است. اراده فعلیه تامه است و ظهور یرید هم همین است. این اطلاق این را می‌گیرد اگر نگوییم شاه‌فرد ظهور روایت است و قدر متیقن آن است. این‌یک احتمال از باب اطلاق بلکه از باب اینکه این فرد قدر متیقن و ظاهر این روایات است.
2. در نقطه مقابل ممکن است گفته شود اطلاقات ازاینجا انصراف دارد. علی‌رغم اینکه ظهور یرید در اراده فعلیه تامه است اما ممکن است کسی بگوید که مناسبات حکم و موضوع و قرائن حالیه و لبیه یک نکته‌ای را افاده می‌کند و آن اینکه نگاه نقشی در اصل تحقق ازدواج نقشی دارد. قرینه لبیه و مناسبات حکم و موضوع این را افاده می‌کند اما در اینجا فرض گرفتید نقشی ندارد. اراده‌اش فعلیه تامه است به حیثی که این نگاه دخالتی ندارد. بنابراین ادله ازاینجا انصراف دارد. ممکن است کسی احتمال دوم را بر اساس انصراف مطرح کند. بگوید اینجا را نمی‌گیرد و فقط آنجا را می‌گیرد که انتخاب کرده و نگاه هم می‌تواند تأثیری بگذارد. یا تعمیم می‌دهیم به‌جایی که بین چند نفر اراده کلیه‌ای دارد و به نحو اجمالی می‌خواهد انتخاب کند. این صورت را هم می‌گیرد اما صورتی که فرد معینی قصد دارد بدون اینکه هیچ نقشی برای نگاه متصور باشد این را نمی‌گیرد. به خاطر انصراف.

## نظر استاد:

به نظر می‌آید وجه اول قابل‌قبول‌تر است. دلیلش هم این است که یرید ان یتزوجها دارد. ظاهر اولیه یرید ان یتزوجها این است که تصمیم گرفته و این نگاه درواقع تخفیفی از جانب خداست برای کسی که می‌خواهد ازدواج کند و برای این است که از قبل آمادگی داشته باشد. شاید مصالح و اموری از این قبیل مدنظر باشد. اینکه ما تنها مصلحت این حکم را فرض می‌گیریم که نگاهی می‌خواهد بکند برای اینکه اراده کامل باشد. احیاناً اگر برداشتی می‌شود چیزی است که ما روی آن می‌گذاریم و به‌عنوان حکمت و مصلحت هم درست است و به همین دلیل می‌گوییم صور دیگر را هم می‌گیرد. اما همان‌جایی که اراده فعلیه تامه بر ازدواج وجود دارد و نقشی در وجود و عدم این ازدواج برای این نظر متصور نیست، حکمت‌های دیگری هم متصور است. یک حکمت اینکه از قبل می‌خواهد آمادگی داشته باشد و این توطین نفس و آمادگی خود یک مصلحت است. انما یرید ان یشتریها باغلی الثمن. لذا این برآورد قبلی موجب آرامشی می‌شود و اینکه ناگهان باکسی که هیچ اطلاعی از او ندارد مواجه نشود. توطین و آمادگی از قبل لازم است و خدا برای همین تخفیف داده و اجازه نگاه در همان محدوده‌ای که بحث شد فرموده است. این‌طور نیست که حکمت فقط آن باشد تا بگوییم قرینه لبیه ای اینجا وجود دارد. این احتمال اول را ترجیح می‌دهد و جا را برای احتمال دوم نمی‌گذارد.

# بحثی در مورد حکمت و علت

همین‌جا نگاهی بیفکنیم به بحث کلی‌تری در اینجا و آن این‌که در مواردی که انسان حکمت را در حد یک علت تلقی کند و علت و حکمت را بداند. جایی که علت باشد نقش روشن است و جایی که حکمت است در مواردی هست که حکمت را عرف خیلی شفاف و منحصر تشخیص می‌دهد. این‌طور تشخیص موجب این می‌شود که مناسبات حکم و موضوع درست شود. اما اگر این تشخیص داده نشود و احتمال حکمت‌های متعدده‌ای در حکم داده شود اینجا مناسبات حکم و موضوع داده نمی‌شود. این چیزی در روایات است که تصریح به حکمت هم نشده یرید ان یشتریها باغلی الثمن گفته‌شده ولی چیز دیگری هم می‌خواهد که روی حکمت باید گذاشت و آن این است که فقط نگاه کند برای اینکه تصمیمش نهایی شود یا اینکه نگاه کند برای اینکه تصمیمش نهایی شود یا توطین نفس و آمادگی برای ازدواج پیدا کند. چون یقین ندارد که یکی از این‌هاست یا هردوست وجهی ندارد برای اینکه مناسبات حکم و موضوع و انصراف درست شود و اطلاق به حال خودش باقی است. شبیه این در خیلی جاها شاید وجود داشته باشد.

سؤال: برای تقویت حکمت‌های دیگر می‌توان از بحث‌های روانشناسی استفاده کرد که مثلاً اگر بدون نگاه سرزندگی برود ...

جواب: بله. نمی‌دانم دقیق این را می‌گویند یا نه ولی اعتبار با این مساعد است.

# فرع پنجم: مسبوق به حال مرأه بودن

شرط دیگری در این فرع است که در عروه و به بیانی در تحریر هم آمده است. در عروه این است که ویشترط ایضا ان لا یکون مسبوقا بحالها. این تعبیر مرحوم سید است. شرط است در جواز نظر که این مرد مسبوق به حال و احوال زن نباشد. اما اگر مسبوق به حال اوست و قبل از اینکه اراده کرده باشد یا بخواهد نگاه کند سابقه دارد شناخت او نسبت به این زن. از قبل این زن را می‌شناسد و احوال او را مطلع است. چون احوال او را مطلع است ممکن است بگوییم اینجا جواز نظر نیست و به همین دلیل مرحوم سید دارد و یشترط ایضا ان لا یکون مسبوقا بحالها. مسبوق به حال این زن ازلحاظ کیفیت خلقت و وضع جسمانی او نباشد و الا اگر از قبل می‌داند لایجوز النظر ثانیا و مجددا. این تعبیری است که در عروه آمده. در تحریر امام می‌گویند و یشترط حدوث زیاده بصیره له بها. شرط است که این نگاه یک آگاهی و بصیرت بیشتری به وضع جسمانی و قیافه او برای زوج به ارمغان بیاورد. این‌طور شرطی لازم است که تأثیری داشته باشد که اطلاع بیشتری پیدا کند. ظاهرش این است که هم‌جایی را می‌گیرد که از قبل اطلاع دارد که نمی‌شود دوباره نگاه کند. منتهی این تعبیر کمی تفاوت دارد. و آن اینکه گاهی از قبل دیده ولی بافاصله‌ای دیده در کودکی دیده والان اگر نگاه کند ولو اینکه مسبوق به حال او هست ولی زیاده بصیرتی را ایجاد می‌کند. یا الآن بالاخره با نگاه خریداری نگاه می‌کند و این متفاوت است. شاید در حقیقت شرط اول دایره‌اش وسیع‌تر باشد و اینجا دایره را تنگ‌تر کرده است. شرط این است که هیچ بصیرت جدیدی پیدا نشود نه اینکه اصلاً ندیده باشد.

این هم شرط پنجمی است که با دو تعبیر نزدیک به هم ولی با مقداری تفاوت در عروه و تحریر ملاحظه می‌شود. تعلیقه های بر این را ندیدیم که بر این تعلیقات آیا کسی این را نفی کرده یا نه؟ در حد گمان به ذهنم می‌آید که خیلی تعلیقه ندارد و غالباً این شرط را پذیرفته‌اند. شاید اصلاً هم مخالفی نداشته باشد. فکر می‌کنم غالباً پذیرفته‌اند.

سؤال: در... کسی حاشیه‌ای نداشت.

جواب: به نظرم در چهل حاشیه هم تعلیقه نبود. قبل تعطیلات این‌طور به ذهنم است.

## احتمالات:

عرض شود که سه احتمال در اول نظر به ذهن می‌آید.

1. کسی اطلاق را بگوید که روایات مطلق است و المراه یرید ان یتزوجها هل ینظر الیها قال نعم. اینجا هم می‌خواهد ازدواج کند اجازه داده‌شده. اطلاق وجهی است که این‌طور شرطی نیست. وقتی اراده تزویج کرد می‌تواند به او نگاه کند. حتی اگر قبلاً دیده است و اطلاع دارد بازهم می‌تواند نگاه کند. زیرا الآن فرق دارد با وقت دیگر والان برای ازدواج است. بنابراین احتمال هیچ شرطی اینجا نیست. وجه اطلاقش هم نکته‌ای است که الآن گفتیم. برای ازدواج که می‌خواهد اقدام کند حتی اگر قبلاً دیده است مثلاً اقوامش است گاهی نگاهش افتاده است الآن ‌هم نگاه کند فرقی به معنای کمی قصه ایجاد نمی‌کند. چون در مقام اراده ازدواج است چون نگاه فرق دارد شارع این را مجاز شمرده است. این احتمال اول است که اطلاق باشد. این‌طور هم نیست که اعتنا خیلی ضعیف باشد و لایعتنی بشأنه. ممکن است کسی بگوید این مقام متفاوت است ولو به لحاظ کمی و این مسائل ظاهری زیاده بصیرتی ایجاد نمی‌کند ولی چون مقام نگاه فرق دارد و می‌تواند تأثیرات روحی و روان‌شناختی هم احیاناً به‌جا بگذارد اجازه داده‌شده و لذا اطلاق را بپذیریم. این نفی این شرط است.
2. برخلاف قبل یک شرطی را باید اینجا قائل شد و آن اینکه زن را علی الاطلاق ندیده باشد. و الا اگر به هر دلیلی او را دیده است نمی‌تواند مجددا او را نگاه کند. به هر دلیل ممکن است عن عصیان دیده یا عن عذر دیده. تفاوتی نمی‌کند و او را دیده و اطلاع از وضع او دارد و اطلاقات این را نمی‌گیرد. همین‌که مسبوق به حال اوست و از قبل او را دیده و قبل اراده ازدواج او را دیده و به وجه شرعی و یا غیرشرعی او را دیده دیگر نگاه به او جایز نیست. دلیل این احتمال انصراف است به خاطر مناسبات حکم و موضوع و قرائن لبیه. وجه انصراف هم این است که حکمت کار و وجه تجویز این است که اطلاع پیدا کند و بصیرت لازم برای ازدواج بر او پدید بیاید و اگر کسی را دو سال قبل یا ده روز قبل دیده و نگاه برای او تأثیری ندارد نمی‌تواند نگاه کند به‌طورکلی وقتی او را دیده معنا ندارد بگوییم بازهم می‌شود نگاه کند. این حکمت است و اینجا منتفی است و اینجا هم حکمت طوری است که مناسبات حکم و موضوع درست می‌کند و انصراف پیدا می‌شود.
3. ترقیق و تفصیلی در مسئله است که بیشتر به فرمایش حضرت امام نزدیک است نه به کلیتی که سید فرمودند ان لا یکون مسبوقا بحالها بلکه بگوییم شرط این است که زیاده هیچ بصیرت تازه‌ای به او نیفزاید و الا اگر پنج سال قبل دو سال یا حتی یک سال قبل دیده و به مدتی ممکن است تغییراتی در شخص ایجاد شود می‌شود نگاه کند که درواقع صرف دیدن قبل موجب عدم تجویز علی الاطلاق نشود بلکه ملاک این است که ببیند چگونه دیده و کی دیده به شکلی که الآن اگر نگاه کند بصیرت جدیدی اضافه می‌شود یا نه. اگر ندیده است بصیرت ایجاد می‌کند و اگر دیده ولی بافاصله یا با شکلی که نمی‌تواند خیلی برانداز کند آن را نه. می‌شود باز نگاه کند. این هم وجهی است که حضرت امام دارند و وجه سوم است و به نظر می‌آید بهتر از وجه دوم است. این هم سه احتمالی است که وجود دارد.

## نظر استاد:

ترجیح ما همان احتمال اول است. در مقام ازدواج ممکن است حکمت‌هایی دارد که فراتر است از حکمت اینکه ببیند چگونه است. مقام که مقام ازدواج شد علی‌القاعده زیادت بصیرت هست و اگر هم نباشد یک توطین نفسی در او ایجاد می‌شود. به همین دلیل اولی مستبعد نیست. اگر هم وجه اول را نگوییم سومی درست است. تعبیر امام ادق و بهتر است. ان لا یحدث فیه زیاده بصیره و اگر زیاده بصیرتی پیدا می‌کند جایز است حتی اگر قبل هم دیده باشد.

سؤال: پیش‌فرض این فرد تکرر دیدن است و الا اگر یک‌بار ببیند مقام ازدواج با غیر مقام ازدواج تفاوت دارد...

جواب: پیش‌فرضش آن نیست. آن‌هم بحث دیگری است. فرض شمارا ننوشته‌ام ولی بحثی است که حال که می‌تواند نگاه کند مکرراً می‌تواند نگاه کند یا یک‌بار؟ ظاهرش همان یک‌بار است ولی یک‌باری که آنی نیست. بله باید این را بگوییم که بعدازاینکه اراده ازدواج دارد می‌تواند یک‌بار نگاه کند یا نه؟ درصورتی‌که قبلاً دیده است. پیش‌فرضش این هست که اگر اطلاق را بگیریم نگاه مکرر را هم روایت می‌گیرد ولی مکرر من‌حیث‌المجموع است اما بعد از اراده ازدواج یک‌بار است. این تفاوت دارد ولی تأثیری در بحث نمی‌گذارد.

# فرع ششم: وجود راه‌های دیگری برای نظر

این روایات که می‌فرمایند می‌تواند شخصی که مصمم به ازدواج است نگاه کند علی الاطلاق می‌گوید جایز است ولو اینکه راه‌های دیگری هم برای اطلاع از احوال او وجود دارد یا اینکه این روایات مقید است به‌جایی که لایتیسر له الاطلاع علی حالها بطرق و اسالیب اخری. توضیح مسئله هم این است که گاهی هست که اطلاع کافی و لازم از این زن متوقف بر این است که نگاه کند و گاهی هم این است که راه‌های دیگری هم متصور است. حال راه‌های دورتری از قبیل اینکه کسی را به نیابت از خودش بفرستد که او را برانداز کند و خصوصیاتش را ذکر کند که سابق هم متعارف بوده است. سابق نگاه کردن‌ها و باهم نشستن‌ها متعارف نبوده روش و سلوک این‌طور بوده است که مادر و خواهر و محارم و بستگانش کسی را می‌فرستاده و از طریق آن‌ها مطلع بر احوال و جزئیات و خصوصیات آن زن می‌شده است. اینکه غالباً این میسر است بدون اینکه نگاه کند بر خصوصیات او مطلع شود. در دوره‌های بعد و دوره‌های ما راه‌های دیگری پیداشده است که عکس و حتی فیلم است. فیلم را می‌بیند. پس راه‌های دیگری هم متصور است. آن‌وقت ازاین‌جهت است که سؤالی که مطرح می‌شود این است که این تجویز منحصر است درجایی که نگاه طریقه منحصره برای تعرف بر حال این زن است. یا اینکه حتی اگر طریقه منحصره نباشد و راه‌های دیگر باشد بازهم می‌گوید نگاه می‌تواند بکند. نگاه رویاروی و مستقیم می‌تواند داشته باشد. اینجا باز احتمالاتی وجود دارد ولی این فرع ظاهراً در عروه نیست. ولی جاهایی مطرح کرده‌اند شاید در کلمات آقای زنجانی و مکارم باشد. اینجا هم باز بحث‌های قبلی وجود دارد و لااقل سه احتمال مطرح است:

## احتمالات:

1. اطلاق: می‌تواند نگاه کند حتی جایی که باواسطه زنان دیگر و محارم او می‌تواند مطلع شود. حتی جایی که می‌تواند با عکس و تصویر اطلاع دقیق‌تری هم پیدا کند. باز اطلاق دارد. وجه اطلاقش هم این است که نگاه مستقیم و رویاروی ویژگی‌هایی در آن است و تخفیفا و امتناناً اجازه داده‌شده است و این اطلاق هم با مقام امتنان مناسب است. چون می‌خواهد ازدواج کند و آرامش خاطری باشد مستقیم می‌تواند او را ببیند. اطلاق با این حکمت سازگار است. به‌خصوص اینکه بعضی از این طرق همیشه متصور است و آن‌وقت بخواهیم این روایات را حمل کنیم که هیچ راه دیگری برای اطلاع از احوال او نباشد این فرد نادری است. اینکه کسی نیست و برود او را نگاه کند نه و الا علی‌القاعده محارم دارد و کسی می‌رود جزئیاتش را می‌آورد و بیان می‌کند. چشم ابرو و مویش را می‌تواند زنی را بفرستد که دقیق برایش نقل کنند. غالباً این میسر است. بخواهیم این روایات را حمل برجایی کنیم که نیست این حمل بر فرد نادری است. حمل بر فروضی است که کم اتفاق می‌افتد. البته اشکال ندارد که روایات را حمل کنیم بر موضوعی که مصداقش کم است. این غیر از حمل بر فرد نادری است که مستهجن است. استهجانی ندارد ولی متعارف نیست. بگوییم این‌همه سؤال شده و بگوییم در بیابانی است که کسی نیست که احوال او را برایش معلوم کند. فروض معمولی را می‌گوید که کسی بتواند برای او اطلاعات بیاورد. بنابراین اطلاق دارد. این وجه اول.
2. وجه دوم نقطه مقابل است که بگوییم حکمتی که در کار است موجب انصراف کامل شود. حکمت هم این است که بداند او چطور است و وقتی راه‌های دیگر وجود دارد معنا ندارد بگوییم نگاه کن و فراتر از نگاه مشروع است. فرض این است که نگاه به‌جاهایی است که در حالت عادی مجاز نبود.
3. تفاوت گذاشتن بین این‌هاست. آنی که در عصر قدیم بوده و آنی که در عصر جدید است. روایات طرق قدیم را کافی نمی‌داند اینکه کسی خبر برای او بیاورد کافی نیست زیرا نگاه نقش دارد که برانداز او کامل شود. لیس الخبر کالعیان. آن‌ها مشمول روایات نیست و اطلاق روایات شامل جایی که راه‌های اطلاع کامل از نقل و اخبار وجود دارد را هم می‌گیرد. تا به این اندازه وجود دارد. اما اطلاقش آنجایی که امروز ما در اختیارداریم و آن اطلاع از طریق تصویر یا بالاتر فیلم و امثال این‌هاست را نمی‌گیرد. وقتی تصویر و فیلم میسر است می‌گوییم معنا ندارد که بتواند نگاه کند. این دیگر اشکال فرد نادر هم ندارد. چون در زمان صدور نص که این‌ها مصداق نداشته است.

## نظر استاد:

این احتمال سوم هم قابل پاسخ است. همان‌طور که نگاه مستقیم باخبر تفاوت داشت نگاه مستقیم با فیلم و عکس هم متفاوت است و وجهی ندارد که اطلاق را کنار بگذاریم. شاید همین هم نقشی دارد که نگاه مستقیم و مباشر نقشی در تصمیم و آرامش خاطر او دارد. همین شاید کافی است که بگوییم اطلاقش حفظ می‌شود. ازاین‌جهت به نظر می‌آید همان احتمال اول درست است نه و نه احتمال دوم و سوم.

این شش مبحث است که در ذیل این روایات آمده است. دو سه فرع دیگر است که جلسه بعد ان‌شاءالله.